

برساخت اجتماعی مصرف مواد مخدر و اعتیاد در شهرستان رودبار جنوب

سید حسین سراج‌زاده^۱ و امید عزیززاده^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۲/۲۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۷/۱۸

چکیده

در این مقاله با به‌کارگیری رویکرد برساخت‌گرایی اجتماعی و روش نظریه زمینه‌ای سعی شده است از منظر افراد بومی و درگیر با پدیده مصرف مواد مخدر و اعتیاد، شرایط، تعاملات و پیامدهای اعتیاد و مصرف مواد مخدر در شهرستان "رودبار جنوب" فهمیده شود. روش مورد استفاده در پژوهش، کیفی است و در فرایند پژوهش از نظریه زمینه‌ای استفاده شده است. داده‌ها با استفاده از روش مشاهده مشارکتی و تکنیک مصاحبه عمیق گردآوری شده‌اند. بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند و نمونه‌گیری نظری و با معیار اشباع نظری، ۱۸ نفر از مطلعان محلی و یا به اصطلاح دروازه‌بانان اجتماع در مطالعه شرکت کردند. یافته‌های حاصل از روش نظریه زمینه‌ای شامل هشت مقوله عمده به شرح زیر است: رسوم و سنت‌های محلی، مشکلات نظام اقتصادی و معیشتی، ارزیابی مثبت از مواد -ارزیابی منفی- با غلبه ارزیابی مثبت، پایین بودن شناخت و آگاهی، دسترسی آسان، فقدان امکانات لازم برای اوقات فراغت، فقدان کنترل انتظامی مؤثر و بسترهای اکولوژیک منطقه. مقوله هسته نیز "بهنجار بودن موقعیتی" است که سایر مقوله‌ها را در بر می‌گیرد. نظریه زمینه‌ای تحقیق، در قالب مدل پارادایمی شامل شش بعد شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، پدیده، تعامل و پیامدها بیان شده است.

کلیدواژه‌ها: اعتیاد، برساخت‌گرایی اجتماعی، بهنجار بودن موقعیتی، رودبار جنوب، روش کیفی.

۱. دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی، تهران. serajsh@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد پژوهشگری اجتماعی دانشگاه خوارزمی، تهران. omid0205@yahoo.com

مقدمه و بیان مسئله

استفاده از مواد مخدر از گذشته تا به امروز وجود داشته است. این پدیده با وجود عمر طولانی، که محققان عمر آن را حدوداً ۳۰۰۰ سال می‌دانند، از اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم به یک مسئله اجتماعی تبدیل شده است (حاجلی و همکاران، ۱۳۸۹). اگرچه مصرف مواد مخدر در گذشته وجود داشت، به عنوان اعتیاد و یا انحراف شناخته نمی‌شد. با گسترش فرهنگ مدرن، ارزش‌ها و هنجارهای مدرن نیز رواج یافته و کنش‌ها و رفتارهایی مانند اعتیاد به مواد مخدر متعارض با هنجارها تلقی شده است (مظفر و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۶). اعتیاد هم‌اکنون جزو چهار بحران و مسئله اصلی جهانی به حساب می‌آید. بر اساس برآورد سازمان ملل متحد ۲۰۰۰۰۰ خانواده افغانی درگیر کشت تریاک‌اند و ۶۹ میلیون دلار از این طریق درآمد کسب می‌کنند و حجم معاملات کارتل‌های جهانی مواد مخدر ۱/۵ تریلیون دلار است. این مقدار، از درآمد حاصل از صادرات نفت در جهان بیشتر و تنها از درآمد حاصل از صادرات اسلحه در جهان کمتر است (میری آشتیانی، ۱۳۸۲: ۱۹۶). همچنین بر اساس گزارش سالیانه سازمان ملل در سال ۲۰۰۷ تولید تریاک در افغانستان به ۶۱۰۰ تن رسیده است و سطح زیر کشت تریاک نیز ۱۶۵۰۰۰ هکتار در سال ۲۰۰۶ اعلام شده که بیش از ۶۰ درصد بالاتر از سال ۲۰۰۵ است (کارابین^۱ و همکاران، ۲۰۰۹: ۲۶۷). کشور ایران به علت همسایگی با کشورهای تولیدکننده مواد مخدر همیشه در معرض خطر ابتلا به این مواد بوده است. بنا بر آمارهای موجود در ایران امروز بیشتر از دو میلیون مصرف‌کننده مواد مخدر وجود دارد که از این تعداد بیشتر از یک میلیون و دویست هزار نفر معتادند و بقیه به صورت تفریحی مصرف می‌کنند. نکته مهم‌تر اینکه بیش از ۵۰ درصد از زندانیان امروز کشور هم مستقیم یا غیر مستقیم در ارتباط با خرید و فروش و مصرف مواد مخدر دستگیر و زندانی شده‌اند (سروستانی، ۱۳۸۹: ۱۹۳).

در این میان، مناطقی از کشور ایران وجود دارند که در آن مصرف مواد مخدر شیوع بیشتری دارد. یکی از این مناطق شهرستان "رودبار جنوب"، یکی از شهرستان‌های جنوبی استان کرمان است. اگرچه آمارهای رسمی و موثقی در زمینه مصرف مواد مخدر در این منطقه وجود ندارد، می‌توان خانواده‌هایی را در این شهرستان یافت که همه اعضای خانواده آن به

مصرف مواد مخدر معتادند و یا معدود خانواده‌هایی را می‌توان یافت که مصرف‌کننده مواد مخدر در آن‌ها وجود نداشته باشد؛ بنابراین، بجاست که زمینه‌ها و چگونگی ساخت‌یابی اجتماعی مصرف مواد مخدر و اعتیاد در این شهرستان مطالعه شود. در این مقاله تلاش می‌شود با استفاده از روش کیفی برساخت اجتماعی مصرف مواد مخدر و اعتیاد در شهرستان "رودبار جنوب" مطالعه شود و جنبه‌های ذهنی، تعریفی و فرایندی آن مشخص شوند.

پیشینه تحقیق

مطالعات داخلی متعددی در خصوص اعتیاد و مصرف مواد مخدر در کشور انجام شده است که به برخی از مطالعات جدید نزدیک به موضوع، اشاره می‌شود. قادری و محسنی تبریزی (۱۳۸۹) در پژوهشی با استفاده از روش کیفی و تکنیک‌های مصاحبه، مشاهده و بررسی اسناد و مدارک مکتوب و ادبیات شفاهی، مصرف مواد مخدر را در میان پنج خرده‌فرهنگ بزرگ قومی ایران (در قالب ۱۰ استان کشور) بررسی کردند. این پژوهش، هنجارهای موجود را در سه حوزه مطالعه کرده است: ۱. توصیه‌های دارویی و درمانی، ۲. باورهای عامیانه و جملات و ضرب‌المثل‌ها و ۳. آداب و رسوم خاص. بر اساس یافته‌های تحقیق در هر سه حوزه خاص، هنجارهایی وجود دارد که تسهیل‌کننده مواد مخدرند. کرمی و اعتمادی فرد (۱۳۸۹) در پژوهشی با استفاده از روش کمی و تحلیل ثانویه، به چگونگی ساخت‌یابی اعتیاد در ایران پرداختند. این پژوهش ساخت اجتماعی اعتیاد را ترکیبی از بعد عینی و ذهنی در نظر می‌گیرد. بعد عینی مواد مخدر را با نشان دادن واقعیت‌های عینی ازجمله آمارهای مربوط به تعداد مصرف‌کنندگان، تغییرات الگویی مصرف مواد مخدر برحسب جنس و سن و نشان دادن روند الگویی مصرف قاچاق مواد مخدر در ایران بررسی کرده‌اند و در بعد ذهنی با استناد به پیمایش‌های ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (۱۳۸۲-۱۳۷۹) نشان داده‌اند که در نظر ایرانیان اعتیاد بعد از بیکاری و گرانی، مهم‌ترین مسئله است، یعنی ذهنیت عمومی مردم اعتیاد را مسئله بسیار مهمی می‌داند.

گروسی و محمدی دولت‌آباد (۱۳۹۰) در پژوهشی با استفاده از روش کیفی پدیدارشناسانه، اعتیاد به مواد مخدر را در بین زنان وابسته به مواد مخدر در شهر ساریمورد مطالعه کردند. هدف تحقیق شناسایی و تبیین تجربه زیسته زنان وابسته به مواد مخدر با استفاده از روش پدیدارشناسی است. از تحلیل داده‌های کیفی این تحقیق پنج مقوله اصلی (مثلاً

خانواده-فرد و اجتماع، طیف احساس شادمانی-پریشانی، ورود به روابط اجتماعی شکسته، ناتوانی در برابر فشار جامعه و عدم توانمندی زنان برای رویایی با شرایط استخراج شده است و بر اساس این پنج مقوله، مدل وابستگی زنان به مواد مخدر استخراج شده است.

محققان خارجی هم تحقیقات متعددی درباره اعتیاد به مواد مخدر انجام داده‌اند که در اینجا دو نمونه جدید از آنها معرفی می‌شوند. اسمال و همکاران (۲۰۰۹) در پژوهشی به بررسی نقش اجتماع و به خصوص گروه دوستان و همالان در شروع به تزریق مواد مخدر پرداختند. در این تحقیق داده‌ها از طریق مصاحبه با جوانان خیابانی تزریق‌کننده مواد مخدر گردآوری شده و بعد از آن با استفاده از تحلیل موضوعی تحلیل شده‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که در بیشتر مواقع تشویق دیگر استفاده‌کنندگان مواد به تزریق، این کار را تسهیل می‌کند، روایت جوانان در این تحقیق نشان می‌دهد که در اولین تزریق مواد، تأثیر اجتماعی متقابل همسالان بسیار برجسته است.

کرامود و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی با استفاده از روش کیفی- با استفاده از ۹ بحث گروهی متمرکز و ۲۷ مصاحبه عمیق- به بررسی اعتیاد و مصرف مواد مخدر در دو ایالت در شمال شرقی هند پرداختند. نتایج این تحقیق نشان داد دلایل استفاده از الکل و مواد مخدر عبارت‌اند از گوشه‌نشینی، فشارهای هیجانی، غلبه بر شرم در رابطه جنسی و لذت.

بررسی پژوهش‌های انجام‌شده در ایران نشان می‌دهد که بیشتر این پژوهش‌ها با روش کمی انجام شده است و محققان با پیش‌فرض‌های نظری از پیش مشخص وارد میدان شده‌اند و نتایج به‌دست‌آمده آنان چندان ابعاد تازه‌ای از موضوع را نشان نداده است، به طوری که بیشتر تحقیقات در سطح تحلیل‌های دومتغیره و سه‌متغیره باقی‌مانده‌اند. از سوی دیگر، تحقیقات انجام‌شده با روش کیفی، با وجود سهم بسیار کم آن نسبت به کل تحقیقات انجام‌شده، دو ویژگی عمده داشتند: اول اینکه نمونه مورد مطالعه این تحقیقات افرادی بوده‌اند که در حال ترک مواد مخدر در مراکز ترک اعتیاد بودند و نمی‌توان تأثیر حضور فرد در این مکان را بر نتایج تحقیق نادیده گرفت. دوم اینکه، تمرکز این تحقیقات بر مصرف‌کننده‌های مواد مخدر بوده است و توجهی به شناخت و تفسیر اعضای یک اجتماع خاص از اعتیاد و مصرف مواد مخدر نداشتند. در تحقیقات انجام‌گرفته در خارج از ایران، اگرچه شاهد تنوع بیشتری در حوزه روش‌شناسی و تکنیک‌های استفاده‌شده و جمعیت مورد مطالعه هستیم، موضوعاتی مثل مصرف

مواد مخدر و اعتیاد لازم است در متن‌های فرهنگی اجتماعی خاص مطالعه شوند و نتایج مربوط به جوامع دیگر با احتیاط در زمینه‌های اجتماعی فرهنگی دیگر قابل تعمیم‌اند. بنابراین پژوهش حاضر با اتخاذ روش کیفی و تفسیرگرایانه به بررسی درک و تفسیر اعضای یک جامعه خاص از پدیده اعتیاد و مصرف مواد مخدر پرداخته است. این تحقیق در پی آن است که به نظام معنایی اعضای جامعه معین در مورد اعتیاد و مصرف مواد مخدر دست یابد یا به عبارت دیگر موضوع مصرف مواد مخدر و اعتیاد را در متن اجتماعی مشخصی مطالعه کند. با توجه به تأکید پژوهش، بر درک و تفسیر اعضای یک جامعه خاص، مطالعه حاضر می‌تواند برای برخی از تحقیقات داخلی جنبه تکمیلی داشته باشد.

چارچوب مفهومی

از آنجا که هدف پژوهش در تحقیق کیفی تفسیر، درک، تفهم و معنای درونی کنش‌های معنادار انسان در محیط اجتماعی است، در نتیجه در اکثر تحقیقات کیفی محقق بدون استفاده از نظریه و فرضیه‌های از پیش تعیین شده وارد میدان تحقیق می‌شود و به بررسی پدیده مورد نظر می‌پردازد. با توجه به منطق روش تفسیری و کیفی، در این روش از نظریه‌ها و رویکردهای مختلف نظری به شیوه متفاوتی از روش‌های اثبات‌گرایانه و کمی استفاده می‌شود. در بیشتر روش‌های کیفی و پژوهش حاضر به جای استفاده از چارچوب نظری جهت تدوین و آزمون فرضیه، از چارچوب مفهومی جهت استخراج سؤال یا سؤالات تحقیق استفاده می‌شود، چارچوب مفهومی مجموعه مفاهیم به هم مرتبطی است که بر مفاهیم و مقوله‌های عمده مطالعه شده تمرکز دارد و آن‌ها را در قالب نظام منسجم و مرتبط معنایی به همدیگر پیوند می‌دهد (محمدپور و ایمان، ۱۳۸۷؛ محمدپور و همکاران، ۱۳۸۸).

در این تحقیق از رویکرد بر ساخت‌گرایی اجتماعی برای تدوین چارچوب مفهومی استفاده می‌شود. این رویکرد ذیل پارادایم تفسیرگرایی اجتماعی قرار می‌گیرد. ویژگی اساسی این رویکرد اعتقاد به تفاوت بنیادین میان موضوعات علوم طبیعی و اجتماعی است. مطالعه پدیده طبیعی نیازمند این است که دانشمند با ابداع مفاهیم و نظریه‌ها آن را توصیف و تبیین کند. دانشمند باید طبیعت را آن‌گونه که هست و از بیرون مطالعه کند؛ اما مطالعه پدیده اجتماعی، به فهم جهان اجتماعی نیاز دارد که مردم با فعالیت مداوم خود آن را می‌سازند و بازتولید می‌کنند. به‌هرحال، مردم پیوسته جهان خودشان را تفسیر می‌کنند یعنی تفسیر موقعیت

اجتماعی، رفتار مردم دیگر، رفتار خودشان و موضوعات برساخته طبیعی و انسانی. به طور خلاصه، جهان اجتماعی پیش از آغاز کار دانشمند علوم اجتماعی، همواره مورد تفسیر (سازندگان آن) قرار گرفته است (بلیکی، ۱۳۹۱: ۱۰۴). پارادایم تفسیرگرایی اجتماعی کنشگران و شیوه‌های ساخت واقعیت اجتماعی از سوی آنها و کنش ناشی از این ساخت را موضوع اصلی جامعه‌شناسی می‌داند (ریتزر، ۱۳۸۷: ۴۰۴).

در پارادایم تفسیرگرایی اجتماعی انسان به مثابه موجودی فعال، خلاق و معنا ساز تعریف می‌شود که پیوسته در حال ساخت و ساز و معنادار کردن زندگی اجتماعی و واقعیات اجتماعی روزمره است (ریتزر، ۱۳۸۷). بنابراین اگر انسان موجودی خلاق و معنا ساز است، واقعیاتی که توسط انسان ساخته می‌شوند سیال، شناور و فاقد قواعد یکنواخت و جهان‌شمول خواهند بود. از این رو در رویکرد تعریف اجتماعی انسان همواره در حال شدن است و از آنجایی که انسان واقعیت را می‌سازد، بنابراین هیچ مدل عام و فراگیری از واقعیت نیز وجود نخواهد داشت (ایمان، ۱۳۹۱). همچنین طبق این رویکرد منابع دانش و معرفت در تعاملات و کنش‌های متعارف و روزمره افراد نهفته است و چیزی خارج از کنش متقابل مردم معنادار نیست؛ بنابراین دانش عامیانه، منبع عمده دانش و معرفت است و تکیه روش علمی بر این منبع است، دانش نه توسط تعداد خاصی از افراد بلکه توسط کلیه افراد جامعه تولید و بازتولید می‌شود و در این فرایند محقق نیز خود عنصری از جامعه و درگیر تعاملات است؛ بنابراین سوژه و ابژه یا فاعل و مفعول شناخت یکی است؛ یعنی محقق ضمن اینکه تحقیق می‌کند مورد تحقیق قرار می‌گیرد (محمدپور و ایمان، ۱۳۸۷: ۱۹۶؛ محمدپور و همکاران، ۱۳۸۸).

بنابراین این تحقیق با اتخاذ رویکرد برساخت‌گرایی که در پارادایم تفسیری قرار می‌گیرد به بررسی مسئله اعتیاد و مصرف مواد مخدر در میدان مورد مطالعه می‌پردازد. رویکرد برساخت‌گرایی بر این فرض استوار است که فرایند تعریف و تاریخ طبیعی یک مسئله اجتماعی مهم‌تر از شرایط و موجودیت واقعی همان مسئله است. از نظر اسپکتور و کیکتسوز (۱۹۸۷) برساخت‌گرایی اجتماعی رویکردی است که به فرایندی که مسئله‌دار به نظر می‌رسد توجه می‌کند (طباطبایی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۲۵). کیکتسوز و اسپکتور معتقدند که تعریف‌های ذهنی و نه شرایط عینی، منبع مسائل اجتماعی بوده و هدف مناسبی برای مطالعه آن دسته از جامعه‌شناسانی است که درصدد شکل دادن به نظریه جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی‌اند. آنها به تاریخ طبیعی مسائل اجتماعی نیز تأکید دارند و معتقدند چیزهای مسائل اجتماعی‌اند که مردم

فکر می‌کنند، شرایط عینی ممکن است وجود داشته باشد یا نداشته باشد. در رویکرد برساخت‌گرایی مسائل اجتماعی وضعیت‌هایی وجود دارند که به لحاظ فرهنگی، پردردسر، گسترده، قابل تغییر و نیازمند به تغییر تعریف می‌شوند (رایبگتن و واینبرگ، ۱۳۹۰: ۲۲۶-۲۲۵)؛ بنابراین می‌توان گفت درحالی‌که پارادایم اثباتی (پارادایم مسلط جامعه‌شناسی) با طرح سؤالات تبیینی و با تأکید بر اندازه‌گیری آماری، عینیت، پیش‌بینی‌پذیری و مداخله بهتر در مسائل اجتماعی، همچنان مسائل اجتماعی را عینی و کمی تلقی می‌کند، تأکید این مقاله بر رویکرد برساخت‌گرایی است که بر ماهیت ذهنی، تعریفی، فرایندی و برساخت موضوع در تعاملات اجتماعی تأکید دارد.

روش تحقیق

با توجه به اینکه هدف اصلی این تحقیق برساخت اجتماعی اعتیاد و مصرف مواد مخدر است، لذا از روش کیفی، از نوع نظریه زمینه‌ای جهت انجام فرایند تحقیق و تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است. نظریه زمینه‌ای ابتدا در سال ۱۹۶۷ توسط بارنی گلاسر^۱ و آنزلم اشتروس^۲ ابداع شد و در کتاب مشهور آنان تحت عنوان کشف نظریه زمینه‌ای منتشر شد. آن‌ها این روش را یکی از بنیادی‌ترین کشف‌های روش‌شناختی در علوم اجتماعی قلمداد کرده‌اند که می‌تواند به تولید معرفت متقن و باورپذیر منتهی شود (اشتروس و کوربین، ۱۳۹۱؛ ایمان، ۱۳۹۲).

نمونه‌گیری و مشارکت‌کنندگان

در روش نظریه زمینه‌ای تعداد شرکت‌کنندگان تحقیق از ابتدا معین نیست و به تدریج با جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل آن‌ها مشخص می‌شود (اشتروس و کوربین، ۱۳۹۱). در مطالعه کنونی از دو نوع نمونه‌گیری به صورت همزمان استفاده شده که عبارت‌اند از: نمونه‌گیری هدفمند^۳ و نمونه‌گیری نظری^۴.

-
1. Barney Glazer
 2. Anselm Strauss
 3. Purposive Sampling
 4. Theoretical Sampling

در نمونه‌گیری هدفمند محقق کیفی با افرادی گفتگو می‌کند که در زمینه موضوع مطالعه یا جنبه‌های از آن داری اطلاعات و شناخت مناسب باشند. به این افراد اصطلاحاً «مطلعان»^۱ یا دروازه‌بانان^۲ اجتماع می‌گویند (ایمان، ۱۳۹۱؛ محمدپور، ۱۳۹۲؛ ازکیا و همکاران، ۱۳۹۱). در این پژوهش جهت گزینش مطلعان از معیارهای مورد نظر نیومن (۲۰۰۰، ۳۷۴ به نقل از محمدپور، ۱۳۹۲: ۹۱) استفاده شده است. این معیارها عبارت‌اند از:

۱. مطلع باید با فرهنگ یا جامعه تحت مطالعه آشنایی کامل داشته باشد.
 ۲. مطلع باید در زمان انجام مطالعه میدانی در آن جامعه حضور داشته باشد و یا به شکلی در ارتباط نزدیک با آن باشد.
 ۳. مطلع باید وقت کافی برای همراهی و گفتگو با محقق را داشته باشد.
 ۴. مطلع باید فردی با ذهن غیر تحلیلی باشد.
- در این پژوهش علاوه بر نمونه‌گیری هدفمند، از نمونه‌گیری نظری نیز استفاده شده است، از این نمونه‌گیری برای شناسایی، خلق و مرتبط کردن مفاهیم جهت پرورش نظریه و از معیار اشباع نظری که از ویژگی‌های این نوع نمونه‌گیری است جهت پایان دادن به جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است، بر اساس این معیار در مورد تعداد مشارکت‌کنندگان در پژوهش تصمیم‌گیری شد. در این پژوهش محقق با مصاحبه با ۱۲ نفر به اشباع نظری دست‌یافت، اما مصاحبه‌ها را تا ۱۸ مورد ادامه داد.

روش‌های گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها

همان‌طور که اشتروس (۱۹۷۸: ۱ به نقل از ازکیا و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۰) بیان کرده است روش‌های متنوعی (مانند مصاحبه‌ها، صورت‌جلسه‌ها، گزارش‌های دادگاه، مشاهده‌های میدانی، سایر اسناد مانند خاطرات و نامه‌ها، پاسخ‌های پرسش‌نامه، آمارهای سرشماری و غیره) برای گردآوری داده‌ها در روش نظریه زمینه‌ای وجود دارد. در پژوهش حاضر داده‌ها از طریق مصاحبه عمیق و مشاهده گردآوری شده است. در این پژوهش جهت انجام مصاحبه‌ها از نوع شناسی مصاحبه پاتن (۲۰۰۲: ۳۴۲ به نقل از محمد پور، ۱۳۹۲: ۱۵۳) استفاده شده است. پاتن

سه نوع مصاحبه را از هم تفکیک می‌کند: مصاحبه مکالمه‌ای غیر رسمی^۱، رهیافت راهنمایی مصاحبه عمومی^۲ و مصاحبه باز استاندارد شده^۳.

بر اساس این در تحقیق حاضر هر سه رویکرد پیشنهادی پاتن به ترتیب زیر استفاده شده است: در آغاز کار برای دستیابی به مفاهیم و مقوله‌ها از رویکرد مصاحبه مکالمه غیر رسمی استفاده شد. بعد از اینکه مفاهیم و مقوله‌های اولیه آشکار شدند با استفاده از رویکرد راهنمای عمومی مصاحبه، مقوله‌ها و مفاهیم در فرایند مصاحبه پیگیری شد. پس از اینکه خطوط کلی مصاحبه‌ها به وسیله مفاهیم و مقوله‌ها شکل گرفتند، به طراحی مجموعه‌ای از سؤالات باز پرداخته شد و این فرایند تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت.

برای تحلیل داده‌ها نیز از روش‌های معمول در روش نظریه زمینه‌ای که عبارت‌اند از کدگذاری باز^۴، کدگذاری محوری^۵ و کدگذاری گزینشی^۶، استفاده شد. در مرحله کدگذاری باز، مفاهیم اولیه و سپس مقوله‌های عمده مبتنی بر آن‌ها، شناسایی شده، خصیصه و ابعادشان کشف شدند. در دومین مرحله (کدگذاری محوری) مقوله‌ها براساس خواص‌شان (زیرمقوله) به یکدیگر متصل شدند؛ و نهایتاً در سومین مرحله (کدگذاری انتخابی) مقوله‌ها در جهت خلق نظریه، یکپارچه و پالایش شدند (اشتراوس و کوربین، ۱۳۹۰؛ فلیک، ۱۳۹۱؛ ایمان، ۱۳۹۰). در این مرحله همچنین ترکیب مقوله نیز صورت گرفت یعنی مقوله‌ها پالایش نظری شده و حول یک مقوله هسته مرتبط شدند.

یافته‌ها و مقوله‌های عمده تحقیق

با بررسی داده‌های به دست آمده از مرحله اول کدگذاری (کدگذاری باز) مفاهیمی به دست آمد که در جدول ۱ نشان داده شده است. این مفاهیم بیانگر درک و تفسیر مشارکت‌کنندگان در تحقیق از پدیده مصرف مواد مخدر و اعتیاد در شهرستان رودبار جنوب^۷ است. بعد از این مرحله، مفاهیم مشابه و نزدیک به هم از نظر معنایی در قالب مقوله‌های عمده‌ای طبقه‌بندی شده‌اند.

1. The Informal Conversational Interview
2. The General Interview Guide Approach
3. The Standardized Open-Ended Interview
4. Open coding
5. Axial coding
6. Selective coding

۷. در پیوست شهرستان رودبار جنوب معرفی شده است.

جدول ۱. مفاهیم اولیه تحقیق، مقوله‌های عمده و مقوله هسته

ردیف	مفاهیم	مقوله	مقوله هسته
۱	توزیع سیگار و تریاک در میهمانی‌ها و عروسی‌ها، احترام به میهمان، فشار اجتماعی، نگاه عرفی و سنتی، ارزش دادن به مصرف‌کننده مواد مخدر، توصیه اطرافیان برای مصرف، نقش درمانی و دارویی مواد مخدر، پزشکی سنتی، تقویت قوای جنسی	رسوم و سنت‌های محلی	بهنجار بودن موقعیتی
۲	نشنگی، سرخوشی، درمان درد، سر حال شدن، حالت غرور و افتخار، درک نادرست از واقعیت و موقعیت	ارزیابی مثبت- منفی موقعیتی از مواد مخدر	
۳	قاچاقچیان مواد مخدر، سختی و فشرده‌گی کار، بیکاری، فقر، کویری بودن منطقه	مشکلات نظام اقتصادی و معیشتی	
۴	عدم آگاهی و سواد، نشناختن مضرات مواد مخدر، امتحان کردن، عدم باور به معتاد شدن، عدم رشد اجتماعی افراد، تشویق دیگران به مصرف مواد مخدر، آسان گرفتن مصرف مواد مخدر، بی‌توجهی به پیامدهای مصرف	پایین بودن شناخت و آگاهی	
۵	والدین معتاد، اعتماد زیاد والدین، بی‌سوادی و عدم آگاهی والدین، بی‌توجهی والدین، پذیرش و پذیرایی از معتاد، خانواده بی‌توجه و یا کم‌توجه، آسان گرفتن مصرف مواد توسط والدین	دسترسی آسان	
۶	نبود امکانات جهت گذراندن فراغت، بی‌توجهی مسئولان، مشخص نبودن متولی جوانان، کمبود امکانات ورزشی، بیگانگی جوانان و ورزش	فقدان امکانات لازم برای اوقات فراغت	
۷	خریدن قاضی، ساده گرفتن توسط مأموران انتظامی، گرفتن رشوه، همکاری مأموران	فقدان کنترل انتظامی مؤثر	
۸	طبیعت کویری، موقعیت جغرافیایی، حاشیه‌ای بودن منطقه، اقتصاد سنتی مبتنی بر کشاورزی و دامداری	بسترهای اکولوژیک منطقه	

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، به طور کلی در مرحله کدگذاری باز ۴۸ مفهوم و یا زیرمقوله استخراج شد که در قالب ۸ مقوله عمده قرار گرفتند. این مقوله‌ها عبارت‌اند از: رسوم و سنت‌های محلی، ارزیابی مثبت- منفی موقعیتی از مواد مخدر، مشکلات نظام اقتصادی و معیشتی، پایین بودن شناخت و آگاهی، دسترسی آسان، فقدان امکانات لازم برای اوقات فراغت، فقدان کنترل انتظامی مؤثر و بسترهای اکولوژیک منطقه. این مقوله‌های عمده در مرحله کدبندی گزینشی به استخراج یک مقوله هسته منجر شد. مقوله هسته محوری نهایی این بررسی، «بهنجار بودن موقعیتی اعتیاد و مصرف مواد مخدر» است.

در زیر با ارجاع به گفته‌های مشارکت‌کنندگان در تحقیق، هریک از مقوله‌های عمده تحقیق به اختصار مطرح می‌شوند.

- بسترهای اکولوژیک منطقه

شهرستان رودبار جنوب با مساحتی در حدود ۶۸۴۶ کیلومتر مربع در جنوب استان کرمان قرار گرفته است. موقعیت جغرافیایی این منطقه از جنبه‌های مختلف در روند شکل‌گیری و گسترش اعتیاد و مصرف مواد مخدر نقش دارد و از علل و بسترهای گسترش قاچاق مواد مخدر و دسترسی آسان به مواد مخدر است. یکی از جنبه‌های این زمینه از یک طرف، فاصله نزدیک زمانی و مکانی و از طرفی دیگر فاصله نزدیک ارزشی و فرهنگی با شهرستان‌های مجاور سیستان و بلوچستان است که این همگرایی‌های زبانی، مذهبی، فرهنگی و اجتماعی در گسترش مواد مخدر در این منطقه نقش مهمی داشته است. یکی از مشارکت‌کنندگان در تحقیق عنوان می‌کند: "چون اینجا نزدیک به دلگان و ایرانشهره مواد فراوان با قیمت پایین گیر میاد، اونم هر چه دلت بخواد، محدودیتی تو این زمینه نداری" (مرد، ۳۵ ساله، با سابقه مصرف مواد).

از دیرباز شغل و منبع اصلی درآمد مردم این مناطق کشاورزی و دامداری و کارهای جانبی (مانند قاچاق سوخت، قاچاق مواد، قاچاق انسان) بوده است. مثلاً مردم این منطقه به اولین روستاهای مرزی استان سیستان و بلوچستان سوخت قاچاق می‌کنند. مردم این دو منطقه ارتباطات تنگاتنگ کاری و تجاری دارند. این ارتباط تنگاتنگ که به دلیل موقعیت اکولوژیکی به وجود آمده است، به نوعی زمینه گسترش مواد مخدر را در منطقه فراهم می‌کند. بستر اکولوژیک، همانند دوری از مرکز، موقعیت جغرافیایی دشت‌گونه و کویری بودن منطقه، کشاورزی ناکارآمد و تا حدی سستی و عدم سرمایه‌گذاری‌های دولتی در این منطقه بیش از پیش‌زمینه‌ای را فراهم می‌کند که شاهد گسترش قاچاق مواد مخدر در منطقه باشیم، پدیده‌ای که زمینه را برای گسترش و توزیع فراوان و ارزان مواد مخدر فراهم می‌کند.

- رسوم و سنت‌های محلی

در منطقه مورد مطالعه یکسری سنت و رسوم محلی وجود دارد که مصرف مواد مخدر و به خصوص تریاک را تسهیل می‌کنند. یکی از باورهای رایج در این منطقه توصیه به مصرف مواد مخدر (به خصوص تریاک) برای درمان و یا کاهش درد ناشی از بیماری است. در این منطقه از تریاک، سوخته‌های تریاک و یا شیرۀ آن به عنوان دارو و یا کاهش‌دهنده درد استفاده می‌شود.

استفاده از مواد مخدر به عنوان دارو برای بیماری‌هایی مثل دندان‌درد، سرماخوردگی، بیماری قلبی، فشار خون و پا درد توصیه می‌شود. یکی از مشارکت‌کنندگان در تحقیق عنوان می‌کند:

" پدرم به زمانی پادرد شدیدی داشت، هرچی دکتر می‌رفت و دارو بهش می‌دادند خوب نمی‌شد، بعضی از اطرافیان بهش گفتن که تریاک مصرف کند خوب می‌شود و این‌جوری بود که شروع کرد به مصرف" (مرد، ۲۶ ساله، مجرد).

نبود امکانات پزشکی و بهداشتی و هزینه‌های بالای درمان زمینه را برای مصرف مواد مخدر به عنوان دارو افزایش می‌دهد، در منطقه مورد مطالعه به‌رغم وسعت منطقه و جمعیتی بالغ بر ۱۰۴۴۲۱ نفر هنوز بیمارستان وجود ندارد (نزدیک‌ترین مراکز درمانی، بیمارستان جیرفت در فاصله ۸۵ کیلومتری و بیمارستان کهنوج در فاصله ۶۵ کیلومتری از شهرستان رودبار جنوب قرار دارد).

یکی دیگر از رسوم و سنت‌های محلی، توزیع مواد مخدر در عروسی‌ها و میهمانی‌هاست، در این مراسم مواد مخدر و به خصوص تریاک در بین اکثر میهمانان به صورت مجانی توزیع می‌شود و همچنین مکان مشخصی برای مصرف مواد مخدر در نظر گرفته می‌شود و تلاش می‌شود که رضایت این دسته از میهمانان به دست آید، به همین دلیل میزبان برای کسب رضایت و برآورده کردن نیازهای آنان حداکثر تلاش خود را انجام می‌دهد. یکی از مشارکت‌کنندگان در تحقیق عنوان می‌کند: "تو این منطقه تو مراسم عزاداری، عروسی یا میهمانی تریاک و اون قدیم سیگار بین مهمونا تقسیم می‌کردند، درواقع میزبان میاد به ساقی تعین می‌کند (تو عروسی و یا مراسم‌ها، تو میهمانی‌های کوچک‌تر خودش توزیع می‌کنه) که اونم وظیفه‌اش اینه که میره و تریاک به مهمونا میده. اون به کسی که خودش میدونه معتاده و یا حداقل تفتنی میکشه و یا کسی که ازش درخواست کنه بهش تریاک میده" (مرد، ۲۶ ساله، دانشجو).

یکی از معیارهای خوب بودن مراسم در این منطقه توزیع مواد مخدر به طور گسترده است؛ به طوری که اگر این کار به هر دلیلی انجام نشود و یا خیلی کم باشد، نارضایتی تعداد زیادی از میهمانان را به دنبال دارد.

یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان در تحقیق در این زمینه عنوان می‌کند: "کسی تریاک توزیع نکته تو عروسی و یا مراسم مهموناش پشت سرش حرف میزنن که فلانی چنین و چنان و عرضه نداشت؛ درواقع کلن ناراضی میشن. بعدشم تعداد معتاد زیاده، خوب میزبانم میگه خوب یک‌شب بیشتر نیست بزار همه را راضی کنم، درواقع خودش رو موظف میدونه که مواد را برای میهمانانش تأمین کنه" (مرد، ۲۵ ساله، معلم).

یکی دیگر از باورهای رایج در مورد مصرف مواد مخدر در این منطقه، این است که مصرف مواد مخدر و به خصوص تریاک و یا شیره تریاک موجب تقویت قوای جنسی شده و باعث می‌شود فرد از رابطه جنسی خود لذت بیشتری ببرد. این موضوع به خصوص در شب زفاف دیده می‌شود و افراد معتقدند که مصرف تریاک و به خصوص شیره تریاک موجب رفع زود انزالی در داماد می‌شود.

- ارزیابی مثبت- منفی موقعیتی از مواد مخدر

یکی دیگر از مقوله‌های بسیار مهم ارزیابی مثبت- منفی موقعیتی از مواد مخدر است. بررسی متون مصاحبه‌ای و مشاهده‌ای نشان می‌دهد در این منطقه نوعی ارزیابی مثبت و منفی از مصرف مواد مخدر وجود دارد که البته ارزیابی مثبت بر منفی غلبه دارد. بر اساس این مقوله می‌توان گفت اعتیاد و مصرف مواد مخدر در شهرستان رودبار جنوب در شکل سنتی آن (تریاک) و در موقعیت‌های خاص پدیده‌ای به طور نسبی مثبت تلقی می‌شود. (مصرف تریاک در زمان مریضی جهت تسکین و یا درمان بیماری، مجاز بودن استفاده از تریاک و شیره آن برای پیران اجتماع، مصرف به شکل تفنی و مصرف در میهمانی‌ها به عنوان نوعی فراغت، نمونه‌هایی از ارزیابی مثبت مصرف مواد به شمار می‌روند).

اما در کنار این ارزیابی مثبت، ارزیابی منفی از مواد مخدر هم وجود دارد، مشارکت‌کنندگان تحقیق معتقدند در صورتی که مصرف از شکل سنتی آن (تریاک) به مواد دیگر (از جمله مواد صنعتی) کشیده شود، مصرف‌کننده، آن را به طور پیوسته و مداوم مصرف کند به طوری که نتواند به زندگی خود رسیدگی کند و خرج زن و فرزندانش را تأمین کند و همچنین در صورتی که مصرف‌کننده در سن پایینی باشد، مصرف مواد مخدر با ارزیابی منفی از سوی اجتماع مورد مطالعه مواجه است.

- مشکلات نظام اقتصادی و معیشتی

اقتصاد کنونی منطقه رودبار مبتنی بر کشاورزی و آن هم کشاورزی از نوع سنتی و تا حدی معیشتی است. این نوع فعالیت اقتصادی که در آن به نیروی کار یدی نیاز است، باعث شده که عده‌ای از افراد برای غلبه بر سختی کار به مصرف مواد مخدر روی بیاورند. یکی از

مشارکت‌کنندگان عنوان می‌کند: "اینجا همه کشاورزن و یا گوسفند دارن. زمستونا هوا اینجا خیلی سرده، تابستونا هم خیلی گرمه. حالا تو این هوای سرد و گرم به نظرت آدم میتونه از ۶ صبح تا ۱۲ شب‌کار کنه. یه جوری باید بتونی با این سختی کارکنار بیای. من خودم به‌روزی خیلی خسته بودم از کار کشاورزی، رفتم پیش چند نفر که داشتن مواد مصرف میکردن، چندتا دود گرفتم و تا بتونم دوباره بیام سرکار. خوب آدم وقتی این‌همه کار سرش ریخته باشد و وقتم نداشته باشه، استراحت بکنه باید به جوری این خستگی را برطرف کنه" (مرد، ۳۰ ساله، کشاورز، قاچاق‌کننده سوخت، متأهل).

سختی و انزوای ناشی از کار طولانی‌مدت و طاقت‌فرسا زمینه‌ای را فراهم می‌کند که فرد به مصرف مواد مخدر روی آورد و از آنجایی که دسترسی به مواد مخدر آسان است، شرایط برای مصرف آن فراهم می‌شود. علاوه بر این، کشاورزان منطقه در چند سال اخیر با ضرر و ورشکستگی مواجه بوده‌اند، این امر موجب شده است که فعالیت‌های اقتصادی جانبی در منطقه به سرعت رشد کند، یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های اقتصادی جانبی که تأثیر زیادی بر مصرف مواد دارد، قاچاق مواد مخدر است. قاچاقچیان مواد مخدر با حمل مواد از مرزهای شرقی و شهرستان‌های مثل ایرانشهر، امن‌ترین مسیر ممکن که این مسیر است را انتخاب می‌کنند زیرا از یک طرف وسعت این منطقه بسیار زیاد است و کنترل نظامی آن دشوار و حتی می‌توان گفت غیر ممکن است. از طرفی دیگر ویژگی‌های قومی و روابط نزدیک مردم این منطقه با مردم استان همجوار زمینه قاچاق را فراهم کرده است؛ اما این نوع فعالیت تأثیر بسیار زیادی بر مصرف مواد مخدر دارد. اشتغال برخی افراد به قاچاق باعث آشناسدن افراد زیادی با مواد مخدر شده است؛ وقتی شغل بسیاری از افراد قاچاق مواد مخدر است، این افراد باعث آشنا کردن عده‌ای زیادی (از جمله خانواده و بستگان نزدیک خود) به مواد مخدر می‌شوند. از طرف دیگر فردی که به قاچاق مواد مخدر می‌پردازد، در صورتی که در کار خود موفق شود در زمان کوتاهی می‌تواند به ثروت زیادی دست پیدا کند، در این صورت، این فرد در بین عامه پذیرفته می‌شود و این خود زمینه روی آوردن عده‌ای دیگر را به این شغل فراهم می‌کند.

به علاوه، قاچاقچیان مواد مخدر با توزیع گسترده مواد در این منطقه زمینه دسترسی آسان و ارزان به آن را فراهم ساخته‌اند. آنها توانسته‌اند با اتکا به پیوندهای طایفه‌ای و فامیلی در منطقه، موضوع همکاری با پلیس را در بین عامه مردم به عنوان امری قبیح و زشت جلوه دهند، به طوری که هرکسی چنین کاری را انجام دهد، معمولاً از اجتماع طرد می‌شود و برچسب‌های اجتماعی با عنوان مخبر، نامرد، آدم‌فروش به او زده می‌شود.

- پایین بودن شناخت و آگاهی

پایین بودن شناخت و آگاهی افراد، به صورت بی‌اطلاعی و عدم آگاهی در زمینه مصرف مواد مخدر در منطقه مورد مطالعه خودنمایی می‌کند. در بین عامه مردم فهم و درک درستی از مضرات و آثار منفی اعتیاد وجود ندارد و یا بسیار پایین است، به طوری که بسیاری از افراد بعد از اینکه معتاد شدند، به واقعیت اعتیاد پی می‌برند. یکی از مشارکت‌کنندگان در تحقیق عنوان می‌کند: "خیلی از مردم اینجا یا بی‌سواد یا دروان بچگی مدرسه رو ترک کردن، خوب کسی مدرسه نرفته باشه آگاهی چندانی نداره. اونا هیچ کدوم فکر نمی‌کنن که معتاد میشن می‌گن داریم، به صورت تفننی مواد مصرف می‌کنیم" (مرد، ۲۷ ساله، مجرد).

در جایی که عده‌ای زیادی از مردم سواد ندارند و یا سطح سواد آن‌ها بسیار پایین است، نوعی کج‌فهمی و درک نادرست از مصرف مواد مخدر وجود دارد، این عدم آگاهی و کج‌فهمی در زمینه مصرف مواد مخدر، به دلیل وجود فقر سواد و دانش در این منطقه است. یکی از مشارکت‌کنندگان در تحقیق که خود مصرف‌کننده مواد بوده است، عنوان می‌کند: "ترياک وقتی زیر زبونت رفت، ديگه حال خوبی بهت دست میده و ديگه رها کردنش برات سخته، خوب این امتحان کردن هرجی تو سن پایین‌تری برات اتفاق بیفته احتمال معتاد شدن بیشتره. این امتحان کردن ممکنه تو راهنمایی و یا حتی دستان باشه".

این عدم آگاهی باعث می‌شود که فرد نه خود باور کند که معتاد شده و نه حرف دیگران را در این زمینه قبول کند و آن را یک افترا به خود می‌داند.

- دسترسی آسان

دسترسی آسان یکی دیگر از مقوله‌های تحقیق است. دسترسی آسان از مهم‌ترین مقوله‌هایی است که بارها از سوی مشارکت‌کنندگان در تحقیق عنوان و تأکید شد. در این منطقه به راحتی می‌توان به مواد مخدر و ترياک دسترسی پیدا کرد، به طوری که در هر روستا معمولاً چند نفر به کار فروش مواد مخدر مشغول‌اند و مواد مخدر را به هرکسی که پول داشته باشد و مواد بخواهد می‌فروشند. تعدد این موادفروش‌ها که دسترسی به مواد را آسان می‌کنند تنها در روستاها نیست، بلکه در شهر نیز در هر محله معمولاً چند خانواده به این کار اشتغال دارند و تعداد زیادی از مغازه‌ها نیز به فروش مواد می‌پردازند. در این زمینه یکی از مشارکت‌کنندگان در تحقیق می‌گوید: "اینجا موادفروش زیاده که هر جا اراده کنی می‌تونی مواد مخدر (ترياک) پیدا کنی، ما

اینجا (روستا محل زندگی مصاحبه‌شونده) ۳۰ تا خونه بیشتر نیست اما ۷-۸ موادفروش هستش. تو شهر که از هر مغازه‌ای بخوای یا خودش داره یا مغازه‌ای نزدیکش هست که بهت نشون بده بگیریش ازش" (مرد، ۲۹ ساله، دیپلم).

دسترسی آسان به مواد مخدر از ویژگی‌های این منطقه است. علت اصلی دسترسی آسان و ارزان، همجواری با استان سیستان و بلوچستان و نزدیکی به کشور افغانستان است که مهمترین محل تولید تریاک در جهان است. فراوانی و ارزان بودن مواد مخدر در منطقه موجب سهولت دسترسی به مواد مخدر می‌شود. البته در این میان اشتغال عده زیادی به خرده‌فروشی مواد مخدر نیز در دسترسی به آن نقش بسیاری دارد.

- فقدان کنترل انتظامی مؤثر

مشارکت‌کنندگان در تحقیق بخشی از گسترش مواد مخدر در منطقه را فقدان کنترل انتظامی مؤثر می‌دانند. فساد، داشتن رابطه و عدم قطعیت در زمینه برخورد با قاچاقچیان و توزیع‌کنندگان مواد مخدر بارها توسط مشارکت‌کنندگان ذکر و تأکید شد. یکی از مشارکت‌کنندگان در تحقیق عنوان می‌کند: "اینجا اگه کسی را به خاطر تریاک بگیرن، برخورد آنچنانی باهاش نمیشه، خیلی زود آزاد میشه" (مرد، ۵۰ ساله، کشاورز).

یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان در تحقیق عنوان می‌کند: "یکی از اقوام ما را گرفتن به خاطر مواد مخدر اما خیلی زود آزادش کردند. من شنیدم یه جریمه براش تعیین کردند و و چندسال حبس. البته من شنیدم که میگن قاضی و دادگستری اینجا فکر مردم رو می‌کنند که وضع مالی شون خوب نیست و کشاورزن" (مرد، ۵۷ ساله، بازنشسته).

عدم قطعیت و برخورد متناسب با قاچاقچیان و توزیع‌کنندگان مواد مخدر از ویژگی‌های برخورد نهادهای انتظامی با مواد مخدر است. کم‌توجهی و فقدان برخورد مناسب موجب شده است که در این منطقه با گسترش و توزیع زیاد مواد مخدر روبه‌رو باشیم. علاوه بر این، یافته‌های مشاهده‌ای این موضوع را نشان می‌دهند که این نهادها بدون توجه به مردم عمل می‌کنند و این امر بی‌اعتمادی و شکاف گسترده‌ای بین مردم و آنها ایجاد کرده است، طوری که بسیاری از مردم همکاری با پلیس در زمینه مبارزه با مواد مخدر را با برچسب‌های مختلفی از جمله مخبر، نامرد، آدم‌فروش نفی می‌کنند و معتقدند که نهادهای انتظامی به جای مبارزه با مواد مخدر به صورت سلیقه‌ای عمل می‌کنند و هرکسی که با آنها همکاری کند در این زمینه

مصون است. به همین دلیل مشارکت‌کنندگان در تحقیق تأکید دارند برای کاهش مواد مخدر، مسئولان نیروی انتظامی باید با مردم همکاری کنند و نه مردم با این نهادها.

- فقدان امکانات لازم برای اوقات فراغت

مسئله مزبور، به نبود امکانات جهت گذراندن فراغت همانند امکانات ورزشی، پارک و به طور کلی هرگونه خدماتی که یک فرد در زمان فراغت از آنها استفاده کند، اشاره دارد. این موضوع بارها از سوی مشارکت‌کنندگان ذکر و تأکید شد. یکی از مشارکت‌کنندگان در تحقیق عنوان می‌کند: "تا زمانی که ما برای جوانان امکانات فراهم نکنیم، خوب قاچاقچیان وقتی که مواد مخدر میارن برای مشتری میارن، یعنی میدونی مشتری هست که مواد میارن. خوب شهر ما نه پارکی، سینمایی، شهربازی داره و نه امکانات ورزشی مناسب" (مرد، ۲۶ ساله، مجرد).

نبود امکانات جهت گذراندن فراغت موجب می‌شود که جوانان به سوی نوعی فراغت مخاطره‌آمیز بروند. فراغت مخاطره‌آمیزی که پاسوربازی، قلیان، دیدن فیلم پورنو و مصرف مواد مخدر ویژگی اصلی آن است. یکی از مشارکت‌کنندگان در تحقیق عنوان می‌کند: "ما وقتی بیکاریم با بچه‌ها میریم یه خونه خالی پیدا می‌کنیم و قلیونی می‌کشیم، پاسوربازی می‌کنیم و هرکسی هم میخواد مواد مخدر مصرف میکنه" (مرد، ۲۴ ساله مجرد).

بحث و نتیجه‌گیری

در قسمت قبلی، یافته‌های عمده پژوهش در قالب مفاهیم و مقوله‌های عمده تبیین و تشریح شد. هدف اصلی این بخش تمرکز بر سؤال اصلی پژوهش یعنی بر ساخت اجتماعی اعتیاد و مصرف مواد مخدر است. برای نیل به این هدف، مقوله‌های عمده پژوهش به مقوله شرایطی، تعاملی و پیامدی تقسیم شدند که در جدول ۲ نشان داده شده است و همچنین مدل پارادایمی که بیانگر سؤال اصلی پژوهش است، استخراج شده است. این مدل پاسخ اصلی به سؤال محوری پژوهش یعنی بر ساخت اجتماعی اعتیاد و مصرف مواد مخدر در شهرستان رودبار جنوب است.

جدول ۲. تقسیم مقوله‌های عمده پژوهش به مقوله‌های شرایطی، تعاملی و پیامدی

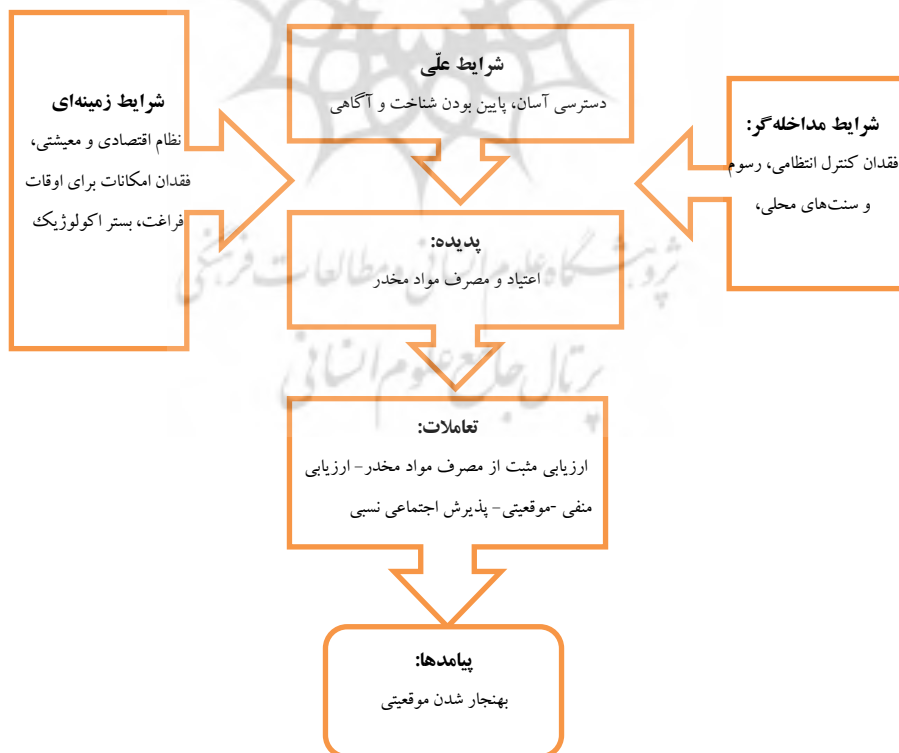
ردیف	مقوله	نوع مقوله
۱	رسوم و سنت‌های محلی	شرایطی - مداخله‌گر
۲	مشکلات نظام اقتصادی و معیشتی	شرایطی - زمینه‌ای
۳	پایین بودن شناخت و آگاهی	شرایطی - علّی
۴	دسترسی آسان	شرایطی - علّی
۶	فقدان امکانات لازم برای اوقات فراغت	شرایطی - زمینه‌ای
۷	فقدان کنترل انتظامی مؤثر	شرایطی - مداخله‌گر
۸	ارزیابی مثبت - منفی موقعیتی از مواد مخدر	تعاملی
۹	بسترهای اکولوژیک منطقه	شرایطی - زمینه‌ای
۱۰	بهنجار بودن موقعیتی	پیامدی

با توجه به اینکه هدف اصلی این پژوهش برساخت اجتماعی اعتیاد و مصرف مواد مخدر در شهرستان رودبار جنوب است، لذا در اینجا مقوله "بهنجار بودن موقعیتی" به عنوان مقوله هسته انتخاب شد. همچنین مدل پارادایمی استخراج شده شش بخش دارد که عبارتند از شرایط علّی، پدیده، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، تعامل‌ها و پیامدها. شرایط علّی به مثابه بستر اعتیاد و مصرف مواد مخدر عمل می‌کنند که عبارتند از دسترسی آسان به مواد مخدر و پایین بودن شناخت و آگاهی. پدیده مورد بحث نیز عبارت است از اعتیاد و مصرف مواد مخدر. اینکه فرد تا چه حد از شرایط علّی تأثیر می‌پذیرد و پدیده مورد نظر به چه شکلی ظاهر می‌شود به شرایط زمینه‌ای و شرایط مداخله‌گر بستگی دارد و همچنین راهبردهایی که در برابر این شرایط اتخاذ می‌کنند. همچنین پدیده تحت تأثیر شرایط زمینه‌ای است.

شرایط زمینه‌ای این پژوهش عبارتند از: مشکلات نظام اقتصادی و معیشتی، فقدان امکانات برای اوقات فراغت، ویژگی‌های اکولوژیک منطقه. نظام اقتصادی و معیشتی در این منطقه نوعی اقتصاد سنتی و تا حد زیادی معیشتی است، به طوری که فعالیت اقتصادی عمده مردم، کشاورزی آن هم از نوع کشاورزی سنتی و کم‌بازده است. این نظام اقتصادی از یک سو باعث فشار کار بر فرد و اعضای خانواده و از سوی دیگر موجب گسترش مشاغل جانبی در بخش اقتصادی شده است که مهمترین آنها عبارتند از قاچاق مواد مخدر، قاچاق سوخت، قاچاق کالا و قاچاق انسان. قاچاق مواد مخدر به عنوان یک فعالیت اقتصادی همان طور که علیوردی‌نیا (۱۳۸۷) در استان مازندران نشان می‌دهد، موجب دسترسی آسان و ارزان به مواد مخدر می‌شود و بر گرایش به مواد مخدر نقش زیادی دارد. این شرایط زمینه‌ای رابطه‌ای دو

سویه با شرایط علی دارند، به این معنا که فعالیت‌های اقتصادی مانند قاچاق مواد مخدر باعث دسترسی آسان به مواد مخدر می‌شوند، همچنین فقدان امکانات لازم برای گذراندن اوقات فراغت نیز از دیگر شرایط زمینه‌ای است. در این منطقه با وجود گستردگی و جمعیت زیاد حتی یک پارک و مکان تفریحی وجود ندارد و این زمینه را برای ورود فرد به فراغت مخاطره‌آمیز فراهم می‌کند. همچنین این منطقه به لحاظ جغرافیایی و اکولوژیک مرزی طولانی و گسترده با استان سیستان و بلوچستان دارد و اینکه این همجواری جغرافیایی با همجواری فرهنگی نیز همراه است و پیوندهای قومی و قبیله‌ای گسترده‌ای که در بین این دو منطقه وجود دارد، زمینه را برای فعالیت‌های اقتصادی مانند قاچاق و مصرف مواد مخدر فراهم می‌کند. شرایط زمینه‌ای مذکور دسترسی به مواد مخدر را آسان می‌کند و این امکان را می‌دهد که مواد مخدر به صورت آسان و ارزان در دسترس قرار گیرد و این نشان می‌دهد که برای تعداد زیادی از افراد زمینه و بستر بروز رفتارهای مخاطره‌آمیز فراهم است.

مدل ۱. مدل پارادایمی درک و تفسیر مردم منطقه از اعتیاد و مصرف مواد مخدر به عنوان پدیده بهنجار موقعیتی



شرایط مداخله‌گر به مثابه بستری عمل می‌کند که باعث تخفیف و یا تشدید پدیده می‌شود. فقدان کنترل انتظامی و رسوم و سنت‌های محلی به عنوان شرایط مداخله‌گر نقش بسیار مهمی در راهبردهای شرکت‌کنندگان در شرایط مختلف دارد. مشارکت‌کنندگان در تحقیق معتقدند که در این منطقه کنترل انتظامی مؤثری از سوی نیروی انتظامی و نهاد قضایی صورت نمی‌گیرد و در اکثر موارد با آسان‌گیری و در برخی موارد با همکاری همراه است. همچنین اقدام نیروی انتظامی و نهادهای دیگر در این زمینه بدون توجه به مردم است، بسیاری از مشارکت‌کنندگان در تحقیق معتقدند در صورتی که این اقدامات برای ما صورت بگیرد باید ما را نیز در نظر بگیرند، بدین معنی که مشارکت‌کنندگان معتقدند این فعالیت‌ها باید مردم‌محور باشند.

یکی دیگر از مهمترین شرایط مداخله‌گر، رسوم و سنت‌های محلی است که در زمینه مصرف مواد مخدر در این منطقه وجود دارد. یکی از این رسوم و سنت‌های محلی توزیع مواد مخدر در عروسی‌ها و میهمانی‌هاست که به صورت یک رسم جا افتاده است. همان طور که قادری و محسنی تبریزی (۱۳۸۹) نیز نشان می‌دهند، رسوم و سنت‌های تشویق‌کننده زیادی وجود دارد که مصرف مواد مخدر را تسهیل می‌کند. تحت شرایط مذکور (شرایط علی، مداخله‌گر و زمینه‌ای) مردم رودبار جنوب واکنش‌ها و تعاملات خاصی از خود بروز داده‌اند که می‌توان بر طبق نظر مشارکت‌کنندگان در تحقیق آنها را به صورت پیوستاری از ارزیابی مثبت تا ارزیابی منفی موقعیتی با غلبه ارزیابی مثبت از مصرف مواد مخدر دسته‌بندی کرد. اگرچه تعاملات و واکنش‌ها در برابر شرایط مذکور می‌تواند به صورت پیوستاری از ارزیابی مثبت تا ارزیابی منفی باشد، ارزیابی مثبت نسبت به مواد مخدر غلبه دارد؛ بنابراین در این زمینه، یعنی واکنش به شرایط مذکور می‌توان گفت در این منطقه بر اساس دیدگاه مشارکت‌کنندگان نوعی پذیرش نسبی از اعتیاد و مصرف مواد مخدر وجود دارد.

همان طور که در مدل ۱ نشان داده شده است، تعاملات مذکور، پیامد خاصی نیز داشته است که در مقوله بهنجار بودن موقعیتی طبقه‌بندی شده که مقوله هسته پژوهش است؛ به عبارت دیگر، در نتیجه این شرایط و تعاملات، اعتیاد و مصرف مواد مخدر در رودبار جنوب در بسیاری از موقعیت‌ها به عنوان پدیده‌ای بهنجار درک و تفسیر می‌شود.

نتیجه نهایی این پژوهش نشان دهنده این است که مشارکت‌کنندگان در تحقیق پدیده اعتیاد و مصرف مواد مخدر در شهرستان رودبار جنوب را به عنوان پدیده "بهنجار موقعیتی"

درک و تفسیر می‌کنند، بدین معنی که بازسازی معنایی انجام شده از درک و تفسیر مردم منطقه از اعتیاد و مصرف مواد مخدر به گونه‌ای است که آنها در اکثر موقعیت‌ها و وضعیت‌ها مصرف مواد مخدر و تا حدودی اعتیاد را بهنجار و عادی تلقی می‌کنند و از نظر اجتماعی تا حدی آن را می‌پذیرند.

بر اساس مقوله هسته این پژوهش (بهنجاری بودن موقعیتی) می‌توان گفت بین فرهنگ رسمی که به وسیله نهادهای رسمی مطرح می‌شود و بر اساس آن مصرف مواد مخدر کاملاً زشت و نادرست است و فرهنگ بومی شهرستان رودبار جنوب نوعی شکاف و تعارض وجود دارد زیرا در فرهنگ بومی صورتهای خاصی از مصرف مواد مخدر شامل مصرف مواد مخدر صنعتی، اعتیادهای فلج‌کننده زندگی فرد و نیز اعتیاد در سنین پایین مذموم است اما مصرف تفریحی و حتی مداوم تریاک توسط بزرگسالان عادی تلقی می‌شود. به عبارتی، نقض هنجارهای فرهنگ رسمی مربوط به مصرف مواد مخدر در این منطقه به اندازه‌ای رواج دارد که بر اساس فرهنگ بومی نمی‌توان آن را نابهنجار تلقی کرد و همان طور که سراج‌زاده و بابایی در ارتباط با موضوع دیگری نشان داده‌اند (۱۳۸۸)،

در این متن اجتماعی- فرهنگی مصرف مواد مخدر و صورتهایی از اعتیاد عملاً به بخشی از سبک زندگی پذیرفته‌شده تبدیل شده است. در چنین شرایطی روش‌های سنتی مبارزه با مواد مخدر که توسط نیروهای انتظامی و قضایی دنبال می‌شود و عمدتاً بر کاهش عرضه تأکید دارند، به دلیل عدم حمایت مردم، نمی‌تواند به تنهایی قرین توفیق باشد. در کنار روش‌های کنترل عرضه لازم است به روش‌های کاهش تقاضا هم توسل جست و با استفاده از ظرفیت‌های محلی، برنامه‌های آموزشی معطوف به تغییر نگرش و تغییر فهم و ادراک مردم از مسئله مواد مخدر را هم دنبال کرد. علاوه بر این، برنامه‌های اقتصادی اجتماعی به منظور ایجاد تغییر در ساختار اشتغال و سطح معیشت و ایجاد امکانات گذران اوقات فراغت سالم هم نباید از نظر دور داشته شود.

منابع

- ازکیا، مصطفی؛ ایمانی جاجرمی، حسین و دیگران (۱۳۹۰). روش‌های کاربردی تحقیق-کاربرد نظریه بنیانی. تهران: کیهان.
- استروس، انسلم؛ کرین، جولیت (۱۳۹۱). مبانی پژوهش کیفی- فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای. ترجمه: ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.
- ایمان، محمدتقی (۱۳۹۱). روش‌شناسی تحقیقات کیفی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ایمان، محمدتقی (۱۳۹۱). فلسفه روش تحقیق در علوم انسانی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بلیکی، نورمن (۱۳۹۱). طراحی پژوهش‌های اجتماعی. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نشر نی
- جلانی‌پور، حمیدرضا (۱۳۸۸). چرا جامعه ایران در مقایسه با سایر جوامع بیشتر معتاد دارد؟ نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی. تهران: نشر نی
- حاجلی، علی؛ زکریایی، محمدعلی و دیگران (۱۳۸۹). نگرش مردم به سوءمصرف مواد مخدر در کشور. بررسی مسائل اجتماعی ایران، سال اول، شماره دوم.
- رایینگتن، اول؛ واینبرگ، مارتین (۱۳۸۳). رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی. ترجمه: رحمت‌اله صدیق سروستانی. تهران: دانشگاه تهران.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۷). نظریه‌های جامعه‌شناسی دوران معاصر. ترجمه: محسن ثلاثی. تهران: نشر علمی.
- سراج‌زاده، سید حسین؛ فیضی، ایرج (۱۳۸۶). مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی در بین دانشجویان دانشگاه‌های دولتی در سال تحصیلی ۱۳۸۱-۱۳۸۲. فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۵.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله؛ نصر اصفهانی، آرش (۱۳۸۹). اعتیاد، طرد اجتماعی و کارتن خوابی در شهر تهران: پژوهش کیفی. بررسی مسائل اجتماعی ایران، سال اول، شماره چهارم.
- صفا، عزیزالله (۱۳۹۰). تاریخ جیرفت و کهنوج. کرمان: مرکز کرمان‌شناسی.
- علی وردی نیا، اکبر (۱۳۸۴). مطالعه جامعه‌شناختی اعتیاد به مواد مخدر در ایران. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۲۰.
- فلیک، اووه (۱۳۹۱). درآمدی بر تحقیق کیفی. ترجمه: هادی جلیلی. تهران: نشر نی.
- قادری، صلاح‌الدین؛ محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۹). مطالعه در شناخت هنجارهای تسهیل‌کننده مصرف مواد اعتیادآور در میان خرده‌فرهنگ‌های قومی ایران. مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، سال اول، شماره چهارم.
- قاضی طباطبایی، محمود؛ ودادحیر، ابوعلی؛ محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۶). پزشکی شدن به مثابه بازی: تحلیلی بر برساخت اجتماعی مسائل انسانی. پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۵۳.

- کرمی، محمدتقی؛ اعتمادی فرد، سید مهدی (۱۳۸۹). ساخت اجتماعی اعتیاد در ایران. بررسی مسائل اجتماعی/ ایران، سال اول، شماره چهارم.
- گروسی، سعیده؛ محمدی دولت آباد، خدیجه (۱۳۹۰). تجربه زیسته زنان وابسته به مواد مخدر از پدیده اعتیاد. جامعه‌شناسی زنان، سال دوم، شماره اول.
- لوزیک، دانیلین (۱۳۹۱). نگرشی نو در تحلیل مسائل اجتماعی. ترجمه: سعید معیدفر. تهران: امیر کبیر.
- محمد پور، احمد؛ رضایی، مهدی؛ پرتوی، لطیف (۱۳۸۸). بازسازی معنایی تغییرات خانواده به شیوه نظریه زمینه‌ای: (مطالعه‌ای موردی ایلات منگور و گورک). خانواده‌پژوهی، شماره ۱۹.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲). تجربه نوسازی-مطالعه تغییر و توسعه در هورامان با روش نظریه زمینه‌ای. تهران: جامعه‌شناسان
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی ضد روش ۱-منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی. تهران: جامعه‌شناسان.
- محمدپور، احمد؛ ایمان، محمدتقی (۱۳۸۷). بازسازی معنایی تغییرات اقتصادی در منطقه اورمان تخت کردستان ایران؛ ارائه یک نظریه زمینه‌ای. فصلنامه رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۸.
- محمدی، بیوک (۱۳۹۰). درآمدی بر روش تحقیق کیفی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- معیدفر، سعید (۱۳۸۹). مسائل اجتماعی ایران-جامعه‌شناسی اقشار و گروه‌های آسیب‌پذیر. تهران: علم.
- ممتاز، فریده (۱۳۸۵). انحرافات اجتماعی-نظریه‌ها و دیدگاه‌ها. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- میری آشتیانی، الهام (۱۳۸۲). مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی مسائل اجتماعی در ایران. تهران: فرهنگ گفتمان.
- نورمن، بلیکی (۱۳۹۱). پارادایم‌های تحقیق در علوم انسانی. ترجمه: سید حمیدرضا حسینی، محمدتقی ایمان، مسعود ماجدی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

- Carrabine, Eamonn-cox, pam-lee, maggy-plummer, ken and south, Nigel (2009). *Criminology- A sociological introduction*. London and New York, Routledge (Taylor & Francis Group).
- Corbin, J. & Strauss, A. (1998). *Basics of qualitative research*. (3rd ed) Sage Publications: London.
- Glser, B. and Stauss, A. L. (1967). The discovery of grounded theory. *Strategies for qualitative research*, New York: aldin.
- Haight, Wendy and Janet d.carter- black, Kathryn (2009). Sheridan, mother's experience of methamphetamine addiction: A case -based analysis of rural, Midwestern woman. *Journal children and yduth, services review*.
- Islam, SK. Nazrul and et al (2000). Sexual life style, Drug habit socio- demographic status of Drug Addict in Bangladesh. *Public HEALTH*, vol. 114, N.5.

- Kermode et al (2013). Falling through the cracks: a qualitative study of HIV risks among women who use drugs and alcohol in Northeast India. *BMC International Health and human Rights*. <http://www.biomedcentral.com/1472-698x/13/9>.
- Saah, Tammy (2005). The evolutionary origins and significance of drug addiction. *Harm Reduction Journal*, 2:8<http://www.harmreductionjournal.com/content/2/1/8>.
- Small, Will- Fast, Danya- Krusi, Andrea- Wood, Evan- Kerr, Thomas (2009). *Social influences upon injection initiation among street-involved youth in Vancouver, Canada: a qualitative study*. Substance Abuse Treatment, Prevention, and Policy.
- Wallace, John M. & Bachman, Jerald G. (1991). Explaining Racial / Ethnic Differences in Adolescent Drug Use: The of Background and lifestyle. *Social Problem*, 38 (3).

